



Manifestation of the Interpretation of the Verse "And Remind them the Days of Allah" on the Islamic Revolution

sadrifar, nabi allah^۱

molavi, mohamad^۲

Received:19/05/2021

Accepted:26/10/2021

Abstract

Quranic interpretation (Tawil) has various meanings for Quranic scholars. Tawil means the abstraction of the general concept from the verse which has revealed regarding the especial event and extend its meaning upon similar items in deferent times and places. Based on this, throughout the history of interpretation, Imams and their subsequent exegete and commentators interpret the Quran based on this rule. Among the verses that can be interpreted on this basis is the verse 5 in chapter 14. In this verse, Allah ordered Moses to remember the days of God for his people. According to the accepted meaning of Tawil, this research thorough descriptive – analytical method tries to answer the questions: what's the meaning of Days of Allah? How can be interpreted on the currents of the Islamic Revolution? For answer to these questions, after extracting the constituent elements of the verse that is "leadership", "people" and "time", with the help of formula "What is valid is the general meaning of the word, not the specific meaning", the general and broad concept has been abstracted from the verse. Then the verse is applied and adapted to the currents of the Islamic Revolution of Iran including 22 Bahman in the year 1357 and so on.

^۱ Nabi Allah Sadrifar, Assistant Professor, Department of Islamic Education, Payame Noor University. sadrifar@gmail.com

^۲ Mohammad Molavi, Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Imam Khomeini International University. molavi@isr.ikiu.ac.ir

ظهور تأویل آیه «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» در انقلاب اسلامی

صدری فر، نبی اله

مولوی، محمد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

چکیده

تأویل قرآن نزد قرآن پژوهان دارای معانی گوناگون است. بر اساس یک معنا تأویل به معنای انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه ای که در مورد خاصی نازل شده و تسری آن به همه موارد مشابه در زمان ها و مکان های دیگر است. بر همین اساس در طول تاریخ تفسیر قرآن، اهل بیت (ع) و به دنبال آن مفسران، تفسیر برخی آیات قرآن را از متن و سیاق خارج نموده و به سایر مصادیق جدید سرایت داده اند؛ از جمله آیاتی که می توان بر همین مبنا تأویل نمود، آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم، ۵) است. در این آیه خداوند به حضرت موسی فرمان داده که «ایام الله» را برای قوم خود یادآوری نماید، با توجه به معنای انتخابی تأویل، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که مراد از ایام الله در آیه چیست؟ تأویل و تطبیق آیه در عصر حاضر در جریان انقلاب اسلامی چگونه است؟ چگونه می توان بر اساس معنای مختار از تأویل، مصادیق ایام الله در جریان انقلاب اسلامی را تبیین نمود؟ در پاسخ به این پرسش پس از استخراج عناصر تشکیل دهنده آیه یعنی رهبری (حضرت موسی)، مردم (قوم بنی اسرائیل) و زمان (دوران حیات قوم بنی اسرائیل)؛ با کمک گرفتن از قاعده «العبرة بالعموم اللفظ لا بالخصوص المورد» مفهوم عام و گسترده از آیه انتزاع گردیده است و لذا، عناصر آیه را به رهبران و حاکمان الهی، اقوام و جوامعی که هر یک از رهبران الهی مخاطب هستند و زمان هایی که در آن واقع شده اند تسری داده شده است. سپس به تبیین تجلی و انطباق آیه بر جریانات انقلاب اسلامی ایران پرداخته و با تطبیق عناصر آیه بر عصر حاضر یعنی رهبری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، جامعه ایران در طول انقلاب و اتفاقات مهمی مانند ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ که در طول تاریخ انقلاب پیش آمده و از طرف رهبران انقلاب به عنوان ایام الله یاد شده پرداخته شده است.

۱ - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور

۲ - دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی امام خمینی ره، قزوین



یکی از مباحث بسیار مهم در علوم قرآن مسئله تأویل آیات قرآنی می‌باشد. در اینکه معنای این اصطلاح چیست مباحث مختلفی میان اندیشمندان علوم قرآن و تفسیر مطرح شده است. این اصطلاح نزد قدما به معنای تفسیر استعمال شده است. برخی دیگر آن را به معنای خلاف ظاهر آیه گرفته‌اند. گروه دیگری به وجود خارجی امر به کاررفته معنا نموده‌اند. آیت الله معرفت معنای دیگری را برای این اصطلاح مطرح نموده و آن انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه می‌باشد که بر اساس قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بالخصوص المورد» صورت پذیرفته است. (معرفت، ۱۴۱۸: ۱/۱۸) بر اساس همین معنا و مبنا در این مطالعه به دنبال تأویل ایام‌الله در آیه پنجم سوره ابراهیم در قرآن و تطبیق آن با انقلاب اسلامی ایران خواهیم پرداخت. ایام‌الله از نظر لغت به معنای روزهای خدا و اضافه شدن کلمه «ایام» به «الله» اضافه تشریفی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۹۴) که در دو آیه از آیات قرآن به کاررفته است (ابراهیم، ۵؛ جاثیه، ۱۴). از نظر آموزه‌های وحیانی مقصود از «ایام‌الله» ناظر به زمان‌هایی است که وقایع و حوادث مهمی در آن روزها رخ داده و قدرت خدا هم برای مؤمنان و هم برای غیر آنان بیشتر آشکار شده است. عموماً مفسران ذیل آیاتی از قرآن که این واژه در آنها ذکر شده، ایام‌الله را به روزهای نجات و نعمت دادن خدا به مؤمنان، روزهای عذاب مشرکان و نیز روزهای نعمت و عذاب تفسیر کرده و هدف از یادآوری آنها را پند گیری و هوشیاری انسان‌ها دانسته‌اند. (میبدی، ۱۳۷۱: ۹/۱۲۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۵۴۰؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۶/۳۰۰)

در حقیقت «ایام‌الله» ناظر به تمام روزهایی است که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر است. هر روز که یکی از فرمان‌های خدا در آن‌چنان درخشیده که بقیه امور را تحت الشعاع خود قرار داده، از ایام‌الله است، هر روز که فصل تازه‌ای در زندگی انسان‌ها گشوده، و درس عبرتی به آنها داده و ظهور و قیام پیامبری در آن بوده، یا طاغوت و فرعون گردنکشی در آن به قعر دره نیستی فرستاده شده، و خلاصه هر روزی که حق و عدالتی برپاشده و ظلم و بدعتی خاموش گشته، همه آنها از ایام‌الله است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۲۷۲) به نظر می‌رسد به خاطر اهمیت چنین روزهایی است که خداوند به برخی از انبیاء خود دستور می‌دهد که ایام‌الله را به مردم یادآوری کنید: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (ابراهیم، ۵). البته در مورد مصادیق و موارد آنها مشخصاً چیزی نگفته و آن را به برداشت از محتویات آیات قرآنی و رهنمودهای رهبران دینی و تحلیل‌های مبتنی بر ملاک‌های مذهبی متدینان واگذار کرده است (سعدی، ۱۳۴).

از طرفی در امتداد رسالت انبیا و ائمه اطهار (ع) این مطلب یعنی یادآوری ایام الله در طول انقلاب اسلامی توسط امامین انقلاب واقع شده و ملاحظه می‌کنیم که از روزهایی مانند بیست و دوم بهمن، پانزده خرداد، هفده شهریور، دوازدهم فروردین و تشییع سردار سلیمانی به‌عنوان «ایام الله» یاد نموده و همه‌ساله هم به‌خاطر اهمیت آنها در چنین روزهایی مراسم‌هایی جهت یادآوری آنها برگزار می‌شود. سؤال تحقیق حاضر آن است که تائویل ایام الله در آیه «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» چگونه تبیین می‌شود؟ مبنای تطبیق روزهایی در تاریخ انقلاب اسلامی به ایام الله چیست؟ یادآوری آن چه ثمرات و فوایدی دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

عموماً مفسران قرآن کریم در ذیل آیات «ایام الله» به تبیین اهمیت ایام الله و ضرورت یادآوری آنها برای مردم پرداخته‌اند. برخی نویسندگان و پژوهشگران نیز مقالاتی در این باره تألیف نموده‌اند. برای نمونه سعدی (۱۳۸۴) در مقاله «ایام الله در قرآن» به تبیین و تحلیل مفهوم تعبیر ایام الله و فلسفه طرح آن پرداخته است. شریعتی تبار (۱۳۹۵) نیز در مقاله «یادآوری ایام الله» به طور اجمالی درباره آیات مربوط به ایام الله در قرآن پرداخته و به طور بسیار اجمالی و اشاره‌وار یکی از مصادیق ایام الله را در دوران کنونی برخی جریانات انقلاب اسلام دانسته است. در دایره المعارف قرآن نیز نویسنده ذیل مدخل «ایام الله» آن را به‌روزهای بزرگ تاریخی، هنگام پیدایش رحمت‌ها یا نعمت‌های ویژه تفسیر نموده است. علاوه بر این‌ها پژوهش‌هایی عمومی و مختصر در برخی سایت‌های اینترنتی و مجلات و روزنامه‌های کثیرالانتشار نگارش یافته است. آنچه این پژوهش را از دیگر مطالعات متمایز می‌نماید آن است که اولاً در راستا و تبیین یکی از معانی تائویل به مصداق شناسی آیه در انقلاب اسلامی پرداخته و مصادیق ایام الله در بیان امامین انقلاب بر اساس قاعده جری و تطبیق پرداخته شده است.



۳. مفهوم‌شناسی

هر پژوهشی مبتنی بر یکسری مفاهیم و اصطلاحات است که تبیین آنها هم نویسنده را در القای کامل‌تر مطالب یاری می‌رساند و هم فهم آن را بر خواننده تسهیل می‌کند، در ادامه به تبیین مفاهیم کلیدی پژوهش پرداخته می‌شود.

الف: ایام‌الله:

ایام جمع یوم و به مدت زمانی از طلوع فجر صادق تا غروب آفتاب گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه)، در زبان قرآن یوم اختصاص به این مدت‌زمان ندارد، لذا گاهی از طلوع تا غروب خورشید و زمانی هم به مدتی از زمان اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۹۴). در روایتی از امام علی (ع) معنای اخیر قابل دریافت است آنجا که فرمود: «وَالدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ» (نهج‌البلاغه، حکمت: ۳۹۶) در این روایت دنیا دو روز معرفی شده و قطعاً مراد از یوم بازه زمانی طلوع تا غروب خورشید نمی‌باشد.

در نظام اندیشه قرآنی «ایام‌الله» زمان‌ها و شرایطی است که فرمان خدا و آیات و نشانه‌های وحدانیت و سلطه الهی آشکار می‌شود؛ مثل روز مرگ که قدرت و سلطه خداوند در آن روز آشکار می‌شود و اسباب دنیوی از تأثیر می‌افتد، یا روز «قیامت» که هیچ‌کس برای دیگری مالک هیچ‌چیز نیست و در آن روز فرمان از آن خداست، یا مثل ایامی که خداوند در آن‌ها قوم «نوح»، «عاد» و «ثمود» را به هلاکت رسانده است. در امثال این‌گونه روزها، قهر و غلبه الهی و قدرت قاهره آشکار شده و معلوم می‌گردد که تمامی عزت متعلق به خدا است. به‌علاوه، ممکن است که منظور از ایام‌الله، ایامی باشد که نعمت‌های خدای متعال برای بندگان آشکار شده است؛ مثل روز خروج نوح و اصحابش از کشتی با سلام و سلامتی و برکت‌های الهی یا روز نجات دادن ابراهیم از آتش یا غیر این‌ها از حوادث و ایامی که جز به خدا نمی‌توان به دیگری نسبت داد، این‌ها روزهای خاص خدائی (ایام‌الله) است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳/۱۲).

در قرآن و روایات معصومان (ع) از روزهای مختلفی به‌عنوان ایام‌الله یاد کرده‌اند. برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: روز شکستن بت‌ها توسط حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر اکرم (ص)، روزی که طوفان نوح ایجاد شد، روزی که قوم ثمود عذاب شدند، روز بعثت همه پیامبران و بعثت پیامبر اکرم (ص)، روز جنگ

بدر، روز هجرت پیامبر اکرم، رو غدیر خم، روز تولد حضرت محمد (ص)، روز عید فطر، روز برپایی قیامت، و روزی که حضرت قائم قیام کنند.

در نظر علامه طباطبایی اختصاص «ایام الله» به روزهایی خاص مانند روز قیام قائم (عج)، روز مرگ، و روز برپایی قیامت و ... همه از جمله مصادیق روشن «ایام الله» هستند و به همان سه روز اختصاص ندارد و در طول تاریخ ممکن است مصادیقی دیگر برای آن که منطبق بر شاخص‌های ایام الله باشد یافت شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۲۴)

ب: تأویل:

تأویل در لغت مصدر باب تفعیل و از ماده اول به معنای ارجاع و بازگرداندن آمده است. این کلمه در نزد مفسران معانی گوناگونی در ادوار تاریخی داشته است. این کلمه در نزد قدما به جای تفسیر و هم‌معنا و مترادف آن استعمال می‌شده است. معنای دیگری که در نزد متأخرین به کار رفته است اگر حمل لفظ بر ظاهر آن امکان نداشته باشد آنگاه تأویلی دارد. این گروه بر این عقیده‌اند که تأویل معنایی است که مخالف با ظاهر لفظ باشد. گروه دیگر تأویل را به معنای وجود خارجی گرفته‌اند. به عبارت دیگر مراد از تأویل را آن چیزی دانسته‌اند که از معنا قصد شده است. مثلاً اگر کلام طلب باشد همان فعل که قصد شده تأویل آن خواهد بود و اگر خبر باشد عین چیزی که به آن خبر داده شده تأویل آن است. اما معنای دیگری از تأویل در کنار آنچه نقل شد مطرح شده است و آن عبارت است از انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه‌ای که در مورد خاصی نازل شده است (معرفت، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۸)، مراد ما از تأویل در این نوشتار همین می‌باشد و بر این اساس به بحث در باره تأویل می‌پردازیم.

ج. جری و تطبیق

جری در اصطلاح، تطبیق کلی بر مصداق بارز و روشن را گویند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۶۶)، هرگاه در تفسیر آیه‌ای، روایتی بیان شده که در آن، نامی از شخص یا اشخاص یا گروهی به عنوان تفسیر در ذیل آیه نقل شده، آن را از باب قاعده جری دانسته؛ نه این که آن مصداق، حقیقتاً تفسیر آیه باشد. استاد جوادی آملی



هم این گونه روایات تفسیری را روایات تطبیقی می‌داند؛ نه روایات تفسیری؛ زیرا تفسیر در نگاه ایشان به معنای بیان معانی الفاظ و جمله‌های قرآن می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۶۸/۱).

صاحب‌المیزان خاستگاه تطبیق آیات قرآن بر برخی حوادث را اهل‌بیت (ع) دانسته و در اهمیت این قاعده در فهم قرآن می‌نویسد: «این خود سلیقه ائمه اهل‌بیت (ع) است که همواره یک آیه از قرآن را بر هر موردی که قابل انطباق با آن باشد تطبیق می‌کنند، هرچند که اصلاً ربطی به مورد نزول آیه نداشته باشد، عقل هم همین سلیقه و روش را صحیح می‌داند؛ برای اینکه قرآن به‌منظور هدایت همه انسان‌ها، در همه ادوار نازل شده، است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۷/۱)؛ بنابراین، گرچه در کتب تفسیر اثری، روایات فراوانی به چشم می‌خورد، اما بسیاری از آنها، روایات تطبیقی است؛ نه تفسیر قرآن؛ لذا در این مطالعه برخی ایام - چه قبل از انقلاب اسلامی و چه پس از آن - از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به عنوان مصداقی از مصداق ایام الله شمرده شده‌اند. برخی از مهمترین این ایام عبارتند از: قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، قیام مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶، قیام مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، بیعت نیروی هوایی ارتش با امام خمینی (ره) در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷، تمام ایام دهه فجر، ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، روز رأی‌نود و نه درصدی مردم به جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۵۸، روزهای هشت سال دفاع مقدس، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸، حضور بی‌نظیر مردم در انتخابات در دوران انقلاب اسلامی، حماسه‌ی نهم دی ۸۸، حضور میلیونی مردم در تشییع شهید سلیمانی و سیلی موشکی سپاه به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد عراق در دی‌ماه ۹۸.

۵. دیدگاه مفسران قرآن درباره آیه مورد بحث

مفسران قرآن ذیل آیه «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (ابراهیم، ۵) بر اساس روایات - پیش‌گفته - به تبیین مقصود «ایامِ الله» پرداخته‌اند. برخی معتقدند مراد از ایام‌الله سنت‌های جاری خداوند در زمین و اعم از نعمت و نعمت می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۷/۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۴/۱۹). برخی، آن را اختصاص به زمانی داده‌اند که عذاب الهی نازل شده (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/۱۹۳) و گروهی مخالف آن را باور دارند و بر این اعتقادند که مقصود روزهایی است که نعمت‌ها شامل مردم شده است (طوسی، بی تا: ۲۷۴/۶) در نظر علامه طباطبایی

علت نسبت دادن آن به خدای تعالی آن است که حوادثی که در آن ایام پدیدآمده حکایت از قهر و غضب و عزت الهی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳/۱۲)

روایات نیز در تفسیر این واژه چند گونه‌اند: الف. روایاتی که «ایام‌الله» را نعمات یا نعمات الهی می‌دانند. «أَيَّامُ اللَّهِ نِعْمَاوُهُ وَبَلَاؤُهُ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۲۲/۲) ب. روایاتی که «ایام‌الله» را روز قیام قائم، روز رجعت ائمه علیهم‌السلام و روز قیامت می‌دانند. «يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمَ الْكُرَّةِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۳: ۶۳). و ج. روایاتی که روز مرگ را نیز ایام الله می‌دانند. «يَوْمُ الْقَائِمِ وَ يَوْمُ الْمَوْتِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (قمی، ۱۳۶۳: ۳۶۷/۱)

تفسیر «ایام‌الله» به «دست قدرت الهی»، بهترین وجه جمع برای این روایات است. زیرا روز قیام امام زمان (عج) روز رجعت ائمه، روز قیامت و... همه به دست قدرت الهی اشاره دارند؛ لذا برخی مفسران قائل‌اند هیچ منافاتی بین این روایات وجود ندارد: «لا منافاة بين هذه التفسير لأن النعمة على المؤمن نعمة على الكافر و كذا الأيام المذكورة نعم لقوم و نقم لآخرين» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۸۰/۳)

با توجه به تعریفی که از جری و تطبیق ارائه شد حاصل کلمات متفاوت از تفسیر آیه انسان را رهنمون به این مطلب می‌نماید که هرآنچه به‌عنوان ایام‌الله در روایات آمده است مصداقی از ایام‌الله است و مصداق‌های دیگری هم ممکن است در طول تاریخ داشته باشد؛ از جمله در طول انقلاب اسلامی هم حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری از روزهایی مانند بیست دوم بهمن، پانزده خرداد، هفدهم شهریور و اخیراً نیز در مراسم میلیونی تشیع پیکر سردار قاسم سلیمانی به‌عنوان ایام‌الله یاد نموده‌اند. امام خمینی چنین روزهایی را هدیه‌ای از عالم غیب ربوبی دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۹۶: ۵۰۵/۱۴) و مقام معظم رهبری هم از ایام‌الله به‌عنوان «روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده می‌کند» یاد نموده‌اند.

لذا آنچه سبب شد که چنین روزی‌هایی با تطبیق بر آیات قرآن به ایام‌الله عنوان گردد ظهور قدرت فعل الهی است. با تأمل در آیه: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم، ۵) می‌توان نتیجه گرفت که آیه فوق بر برخی از جریانات و حوادث مهم دوران انقلاب اسلامی قابل جری و تطبیق است، بعلاوه، بر اساس معنایی که در این مقاله از



تأویل ارائه شد آیه فوق با توجه به قاعده «العبره بالعموم اللفظ» را می‌توان تأویل آن را در انقلاب اسلامی جستجو نمود که بدان خواهیم پرداخت.

۶. مؤلفه‌های تأویلی آیه

با مطالعه در آیه فوق مشاهده می‌کنیم سه مؤلفه در آیه وجود دارد که عبارت‌اند است: «حضرت موسی (ع)»، «قوم بنی اسرائیل» و «زمان‌هایی که جریان‌هایی که بر قوم بنی اسرائیل گذشته است». مطابق با تعریفی که برای تأویل در این مقاله مدنظر قرار گرفت و آن انتزاع مفهوم کلی و عام قابل انطباق بر سایر مصادیق مشابه در طول زمان است، لذا از سه مؤلفه مذکور در آیه - یعنی «شخص موسی (ع)»، «قوم بنی اسرائیل» و «زمان حضرت موسی و قوم او» - الغای خصوصیت می‌کنیم و سه عنوان کلی‌تر که در طول زمان‌ها و مکان‌های دیگر بر افراد دیگر نیز قابل انطباق باشد استخراج می‌کنیم و آن عبارت است از: حاکمان و رهبران الهی، جامعه و زمان. بر همین اساس در ادامه به بررسی این سه عنصر و مؤلفه می‌پردازیم:

۱-۶. حاکمان و رهبران الهی

رهبری در همه جوامع، نقش محوری و کلیدی دارد و از آنجاکه بسیاری از مردم اندیشه‌ها، آداب، اخلاق و روش زندگی را از رهبران جامعه می‌گیرند، لذا، نقش رهبران در جامعه بسیار مهم است. در دیدگاه اسلامی، رهبری عمده‌ترین تأثیر را در شکوفایی جامعه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۷۲) اولین فلسفه وجود رهبر، این است که یک ملت تکیه‌گاه می‌خواهد و این تکیه‌گاه بدون وجود رهبر ممکن نیست. دوم این‌که یک ملت در صورتی می‌تواند پیروز و موفق شود که برنامه‌هایش هماهنگ و صفوفش متحد باشد، این هم بدون وجود رهبر، ممکن نیست. سومین فلسفه وجود رهبر، مسئله جهت‌دادن به حرکت‌ها و تلاش‌ها و کوشش‌هاست، و این غیر از مسئله وحدت است. چهارمین فلسفه وجود رهبر، مسئله بینش دادن به امت، و در نهایت مسئله، اسوه بودن است (حجازی، ۱۳۶۴: ۱۰۳). پرسش نخست اینکه آیا یادآوری ایام‌الله به قوم اختصاص به حضرت موسی (ع) داشته یا هر حاکم و رهبر الهی باتوجه به شرایط زمان از چنین امکانی برخوردار است؟ آنچه به نظر می‌رسد این است که حضرت موسی (ع) به‌عنوان یکی از مصادیق می‌باشند و

این شأن می‌تواند برای هر رهبر الهی تکرار شود؛ لذا مشاهده می‌کنیم که آن امام علی (ع) در نامه‌ای به قثم بن عباس که کارگزار وی در مکه بود دستور می‌دهد که ایام الله را برای مردم یادآوری نماید: «فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحِجَّ وَ ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (نهج البلاغه، نامه: ۶۷). یعنی کارگزار و استنادار امام علی (ع) هم باید ایام الله را که در تاریخ اسلام ذکر شده برای مردم جامعه خویش بیان نماید.

در نظام فکری شیعه، رهبر و حاکم جامعه اسلامی باید امام عادل باشد که در دوران غیبت برعهده فقیه عادل و آگاه به زمان است که نظارت عالی بر حسن اجرای احکام سیاسی، قضایی و اداری در جامعه مطابق با شریعت برعهده وی است. به علاوه تربیت جامعه در همه عرصه‌ها؛ اجرای کامل عدالت و اصل قراردادن آن در همه قوانین اسلامی؛ ارائه الگوی عملی از انسان کامل، و ارائه چارچوبی کلی برای برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر مبنای ارزش‌های اسلامی از وظایف رهبری جامعه اسلامی است. امام خمینی ره که با مجاهدت‌ها و راهبری خود انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و در ادامه حضرت آیت الله خامنه‌ای زعامت، سرپرستی و رهبری جامعه را به عهده گرفته است از مصادیق بارز رهبری الهی می‌باشند که در آیه از آن یاد شده است؛ بنابراین، حضرت موسی که در این آیه از آن یاد شده و خداوند به او دستور داده که مردم را از ظلمات و تاریکی‌ها برهاند در جامعه امروزی در کشور ما در رهبری امام خمینی ره و مقام معظم رهبری تجلی یافته است. از این رو، موسای زمان وظیفه نجات مردم از ظلمات را برعهده می‌گیرد و کشور را از تسلط طاغوت خارج می‌کند.

۲-۶. مردم (قوم)

باتوجه به اینکه هیچ جامعه‌ای بدون مردم شکل نمی‌گیرد، لذا مردم، محور جامعه بوده و تحقق و تعالی جامعه در گرو وجود مردم است. از آنجاکه قرآن به طور مکرر خطابش به مردم است، معلوم می‌شود که یکی از مبانی و شالوده‌های اساسی جامعه را مردم تشکیل می‌دهد. مسیر و چگونگی حرکت تاریخ را مردم بر اساس سنت‌های موجود در جامعه و در انسان تعیین می‌کنند و هرگونه تغییری معلول اراده، امیال، خوی، رفتار و اعمال مردم می‌باشد که طبق سنن معین و تغییرناپذیر، هر یک از آنها انعکاس و اثر قطعی و مسلم در اجتماع و تاریخ دارد (حجازی، ۱۳۶۴: ۱۰۳).



اسلام برای اجتماع، هویت و شخصیت مستقلى قایل است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۲/۴). جامعه انسانی که متشکل از افراد است، اگر برای حیات خود هدفی نداشته باشد، یا اگر سیاست نتواند برای زندگی اجتماعی او هدفی عالی تر در مسیر تکامل آن تعیین نماید، نه تنها برای جامعه کاری نکرده است، بلکه باعث رکود و عقب افتادگی مردم جامعه گشته است (جعفری، ۱۳۷۵: ۲۴/۳۰۱).

گرچه در آیه مبارکه، قوم حضرت موسی مورد خطاب قرار گرفته و به موسی دستور داده شده است که آنها را از ظلمات به سوی نور هدایت نماید ولی با القای خصوصیت از آیه می توان به همه جوامع تعمیم داد و همان گونه که می توان مقصود از موسی را به سایر رهبران الهی تعمیم داد می توان منظور از قوم را نیز بر مردمان دیگر در سایر زمان ها و مکان ها تطبیق داد. القای خصوصیت و تعمیم دادن مصداق مطرح شده در آیه و تطبیق آن بر موارد مشابه در سایر زمان ها و مکان ها امری است که مورد قبول دانشمندان و علمای اسلامی است (معرفت، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷) در مورد آیه مورد بحث نیز به نظر می رسد که جامعه بنی اسرائیل نمونه و مصداقی از جوامع بشری است و لذا هر جامعه ای می تواند با حصول شرایط مصداق آیه قرار گیرد. از این رو، مردم ایران در زمان هایی که نصرت خداوند آنها را یاری کرد و وقایع بزرگی را خلق کردند مشمول آیه هستند.

۳-۶. زمان

زمان به خودی خود قابلیت ارزش گذاری ندارد، آنچه به برخی از زمان ها ارزش می دهد متعلق و وقایعی است که در آن زمان ها اتفاق می افتد، مثلاً روز تولد برای هرکسی روز مهمی شمرده می شود زیرا انسان در چنین روزی از عدم پا به عرصه وجود نهاده است؛ لذا آنچه بسترساز یادآوری ایام الله در زمان حضرت موسی (ع) است همان نیز بسترساز ایام الله در تاریخ انقلاب است. در انقلاب اسلامی چنین روزهایی به خاطر این ارزش پیدا نموده که متعلق چنین زمان هایی وقایعی مهم است که اتفاق افتاده است. مثلاً در ۲۲ بهمن تاریخچه ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی بسته شد لذا چنین روزی بسیار مهم و با اهمیت است و می توان از آن به عنوان ایام الله یاد کرد.

از منظر مقام معظم رهبری عنصر اصلی در معنای «ایام‌الله»، «آشکار بودن دست قدرت الهی در ایجاد جریانات و حوادث و وقایع» است. از این رو، «ایام‌الله» ناظر به روزهایی است که حوادث و جریاناتی که منشأ پیدایش آنها قدرت قاهره خداوند است در آن روزها پدید آمده‌اند. (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷/۱۰/۱۳۹۸) بنابراین، «ایام‌الله» یعنی «روزهای نقطه عطف تاریخ و روزهای تاریخ‌ساز» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷/۱۰/۱۳۹۸) این تفسیر از ایام‌الله در حقیقت مبتنی بر این امر است که ایام‌الله را به روزهایی نعمت و نعمت تفسیر نکرده، بلکه معنایی اعم از آن مراد است. بر این اساس، «ایام‌الله» شامل زمان‌هایی است که علل و عوامل طبیعی کارساز نبوده و تنها مرجع پیدایش حوادث و اتفاقات دست قدرت الهی است که آشکار شده است و همه امور تنها به دست قدرت خداوند اداره می‌شوند. این گونه روزها، روزهایی هستند که دست قدرت و پیروزی الهی به وضوح دیده می‌شوند و عزت خدایی، خودنمایی می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۱۲) این خودنمایی دست قدرت خداوند گاهی به صورت پیروزی مسلمان‌ها، و گاهی به صورت ذلت و شکست کفار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷۱/۱۰). برای مثال روز ضربه موشکی ایران به آمریکا که از منظر مقام معظم رهبری جزء ایام‌الله است. در این باره می‌فرماید: «این که یک نیرویی، یک ملتی، این قدرت را دارد، این توان روحی را دارد که به یک قدرت متکبر زورگوی عالم این جور سیلی بزند، نشان‌دهنده دست قدرت الهی است، پس آن روز جزو ایام‌الله است» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷/۱۰/۱۳۹۸).

آنچه از بیان بالا می‌توان نتیجه گرفت این است که اولاً: امر الهی به حضرت موسی که یادآوری ایام‌الله است، فقط اختصاص به حضرت موسی (ع) ندارد بلکه هر رهبر الهی می‌تواند با توجه به شرایط جامعه، ایام‌الله را به آنها یادآوری نماید، ثانیاً: آیه منحصر در قوم بنی‌اسرائیل نیست بلکه هر قومی با توجه به شرایط موجود می‌تواند از مصادیق و مخاطب آیه باشد و این همان جری و تطبیق است؛ لذا، یادآوری و نام‌گذاری برخی جریانات و وقایع به ایام‌الله در تاریخ انقلاب اسلامی برگرفته از آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) است.

البته فلسفه این تذکر می‌تواند این باشد که مردم در مقاطع مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود اراده خداوند را حس کنند؛ چراکه اراده خداوند فوق اراده‌هاست، چنانچه در قرآن فرمود: «يُدَاللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»؛



بنابراین در هر شکل و زمانی که خداوند اراده کند، می‌تواند حوادث را به گونه‌ای غیر از آنچه که مردم انتظار دارند رقم بزند.

اما فراز سوم آیه، این نکته را مطرح می‌کند که ایام‌الله آیاتی هستند برای مردمی که بسیار صبور و شکورند. ارتباط این فراز با فراز دوم را شاید بتوان یک ارتباط متقابل دانست که از سوی خداوند بیان می‌شود. خداوند در آیه یاد شده می‌فرماید کسانی که ایام‌الله را یادآوری می‌کنند صبر و شکرشان افزایش می‌یابد و از سوی دیگر آنان که صبر و شکیبایی دارند توان و اهلیت این را دارند که تذکر به ایام‌الله داشته باشند.

۷. جلوه‌ها و ثمرات یادآوری «ایام‌الله»

یادآوری ایام‌الله برای مردم ثمرات تربیتی فراوانی دارد؛ لذا می‌بینیم که معصومان (ع) نیز در بیانات خود هم این ایام را یادآوری می‌کردند و هم صحابه را به یادآوری ایام‌الله تذکر می‌دادند. برای نمونه حضرت علی (ع) در موارد مختلف، ایام‌الله را متذکر می‌شود و به بزرگداشت آنها می‌پردازد و یادآوری ایام‌الله را از اوصاف بندگان خداوند می‌شمارد و می‌فرماید: «همواره برای خداوند در پاره‌ای از زمان، بعد از پاره دیگر و در روزگاری که آثار شرایع در آنها گم‌گشته است، بندگان است که روزهای خدا را (به مردم) یادآوری می‌نمایند و (آنان را) از عظمت و بزرگواری او می‌ترسانند». آن حضرت در نامه‌ای به قثم بن عباس که کارگزار وی در مکه بود دستور می‌دهد که ایام‌الله را برای مردم یادآوری نماید: «فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ وَ ذَكْرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (نهج‌البلاغه، نامه: ۶۷). در همین راستا رهبران دینی و امام خمینی و مقام معظم رهبری به‌عنوان ولایت‌فقیه به نام‌گذاری و یادآوری ایام در تاریخ انقلاب به‌عنوان ایام‌الله پرداخته‌اند. روزهایی که در آن دست قدرت الهی از آستین امت اسلامی خارج می‌شد و فطرت انسان‌ها به حقیقت پاک خود بازگشت نموده‌اند. در ادامه به تبیین برخی از این جلوه‌ها و ثمرات آنها می‌پردازیم:

۷-۱. مشاهده قدرت الهی

یکی از صفات حق تعالی صفت قدرت است. متکلمان در تعریف آن گفته‌اند قدرت صفتی است که به وسیله آن اگر فردی بخواهد، کاری را انجام می‌دهد و اگر بخواهد آن را ترک می‌کند. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۱۴۱؛ سبحانی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). حال در خصوص یادآوری ایام‌الله در جریان وقایع انقلاب می‌توان گفت: وقتی که در تاریخ انقلاب از جلوه‌گری قدرت الهی یاد می‌شود مراد آن است که اگر این اتفاق به صورت عادی در جریان بود واقع نمی‌شد؛ لذا در چنین وقایعی می‌گوییم قدرت الهی جلوه‌گر شده است. مبنای تجلی قدرت الهی در جامعه ریشه در سنت‌های الهی دارد، در جریان پیروزی نهضت امام خمینی بسیاری از سنت‌ها از جمله سنت تغییر را می‌توان مشاهده نمود آنجا که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (الرعد، ۱۱)؛ همانا خدا تغییر نمی‌دهد آنچه را در قومی است تا وقتی که تغییر دهند آنچه را در نفس‌های آنها است. مغنیه ذیل این آیه آورده‌اند: «خداوند انسان را در سختی و خواری باقی می‌گذارد، مادام که وی در جمود و رکود خویش بماند و برای رهایی از آن، در برابر باطل برنخیزد و حرکتی از خود نشان ندهد.» (مغنیه، ۱۳۷۸: ۴/۶۰۳). مرحوم علامه به این مسئله اشاره نموده که ایام‌الله زمان‌ها و شرایطی است که فرمان خدا و آیات و نشانه‌های وحدانیت و سلطه الهی و قهر و غلبه الهی آشکار می‌شود و معلوم می‌گردد که تمامی عزت متعلق به خدا است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۱۸) امام خمینی روز فرار شاه را یوم‌الله دانسته و بیان می‌کنند: «آن روزی که این خبیث فرار کرد از «ایام‌الله» بود؛ ملتی که هیچ نداشت یک قدرت را شکست داد» (امام خمینی، ۱۳۹۶: ۹: ۴۶۷)؛ بنابراین، از نظر امام خمینی و رهبر معظم انقلاب یوم‌الله آن روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده می‌کند و با یادآوری این روزها تجلی قدرت خداوند برای مردم آشکارتر می‌شود.

۷-۲. بازگشت به فطرت الهی

بسیست مورد از کلماتی که از ریشه «فطرت» مشتق می‌شوند در قرآن به کار رفته ولی خود واژه «فطرت» فقط یک‌بار در آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ» (الروم، ۳۰) به کار رفته است. بر اساس این آیه و برخی روایات،



به صراحت از وجود نوعی فطرت الهی در انسان‌ها حکایت می‌کند. شهید مطهری با استفاده از آیه بالا، این آفرینش خاص را آمال انسان‌ها برای پذیرش دین می‌داند به گونه‌ای که اگر انسان به حال خود رها شود راه دین را انتخاب می‌کند، مگر آن که محیط و شرایط اجتماعی او را منحرف کند (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۹ - ۲۱). ولی از آنجا که فطرت پاک انسانی تحت شرایط محیطی دچار زنگار غفلت می‌شود و از اصل خود فاصله می‌گیرد، لذا لازم است با بهانه‌های مختلف، انسان را به فطرت اصیل و پاک الهی خود برگرداند. یکی از این راه‌ها، یادآوری ایام الله و تبیین دست قدرت الهی در ایجاد و خلق وقایع و حوادث مهم در جریان انقلاب اسلامی است.

برای نمونه، مراسم تشییع سردار قاسم سلیمانی که از آن به عنوان «یوم‌الله» یاد شده و در واقع این آیه ترجمه شده است، فطرت همه ملت ایران و بلکه بسیاری از آزادی خواهان جهان را بیدار نمود؛ لذا این بیداری فطرت‌ها، مقدمه چنین تشییع باشکوهی بود که در تاریخ پیش از آن دیده نشده است. وقتی همه آحاد جامعه به فطرت الهی خویش بازگشت، قدرت الهی تجلی یافته و طرح و نقشه شیطانی دشمنان نیز نقش بر آب می‌شود و بیش از پیش چهره خبیث دشمن آشکارتر می‌شود.

۷-۳. عامل بیداری و انسان‌سازی

انسان ممکن است در مسیر زندگی به خاطر عواملی همچون توجه به مظاهر زندگی مادی، تسلط شیطان، هواپرستی، آرزوهای دراز و سطحی‌نگری تعالیم دینی دچار غفلت شود. غفلت می‌تواند در حوزه‌های مختلفی اتفاق بیفتد، غفلت از خدای متعال و قدرت مطلق او در انجام تمام امور، غفلت از ناپایداری دنیا و فریبندگی او، غفلت از شیطان و حيله‌ها و وسوسه‌های او و به‌طور کلی، غفلت از اموری که به نوعی با سعادت انسان ارتباط دارد. حال که این همه عوامل غفلت زیاد است روشن است که یادآوری ایام‌الله و بیان روزهای نعمت و نعمت چقدر می‌تواند در بیدار نمودن انسان از خواب غفلت مؤثر باشد. به همین خاطر خداوند در آیاتی به پیامبران دستور می‌دهد که نعمت‌ها و نعمت‌ها را به یاد مردم بیاورند تا آنان را از خواب غفلت بیدار کنند (ابراهیم، ۵) امام خمینی ره و مقام معظم رهبری نیز با تأسی به روش تربیتی خداوند در قرآن هنگام بروز جریاناتی - که پیش‌تر نام آنها گذشت - و برای بیدار نمودن مردم و آگاهی بخشی به آنان و جلب توجه

آنها به قدرت قاهره الهی چندین بار علت برخی جریانات را تنها قدرت خداوند دانسته و آنها را از مصادیق ایام الله معرفی کرده است.

امام خمینی در جایی به این مطلب یادآور شده و می گویند: تذکر به «ایام الله» که خداوند متعال به آن امر فرموده است، انسان ساز است. قضایایی که در ایام الله رخ داده است، برای تاریخ و انسانها در طول تاریخ آموزنده و بیدارکننده است. «برای اینکه این ایام اند که آدم سازند. این ایام است که جوانهای ما را از عشرتکدهها بیرون می آورد و به میدان جنگ می برد. این ایام الهی هست که ملت ما را بیدار می کند، و بیدار کرد.» لذا ایام الله و تذکر ایام الله است که جان افراد و جوامع را بیدار می کند و آنها را از خواب غفلت بیدار کرده و به تعالی و کمال می رساند (امام خمینی، ۱۳۹۶: ۳۹۶/۹)

لذا بزرگداشت ایام الله و ایام مبارکی که در انقلاب اسلامی به عنوان ایام الله توسط امامین انقلاب عنوان شده است باعث می شود که کسانی که نتوانسته اند آن و قایع و ایام را مشاهده نمایند با یادآوری، مروری بر آن وقایع داشته و به تامل و اندیشه فرو روند. و همین زمینه ارتقا و رشد معنوی را برای انسان ایجاد نماید. در همین راستا می توان جریان کربلا را تحلیل و توصیف نمود و آنچه سبب زنده شدن جانها شده است برگزاری همه ساله مراسم عزاداری برای سید و سالار شهیدان که خود عامل تکامل روحی و معنوی انسان بوده و انسان را به تعالی و رشد برساند. اگر این تذکرات و یادآوری همه ساله نبود چه بسا این واقعه به بوته فراموشی سپرده می شد.

۴-۷. یاد آوری سنت های الهی

سنت، جاری شدن قواعد و قوانین الهی در زمین می باشد. سعادت و کمال جوامع در گرو عملکرد هر جامعه ای می باشد. این معنا با مطالعه در تاریخ اقوام و ملل مختلف در قرآن قابل دریافت است. لذا اگر جامعه ای حتی در بعد مادی رو به ترقی می باشد این مسئله به عملکرد رفتار تک تک افراد جامعه بر می گردد. به تعبیر دیگر، ترقی جامعه بازتاب حرکت مردم جامعه می باشد و این خود یکی از سنت های الهی می باشد. لذا یکی از ثمرات تذکر به ایام الله را باید یادآوری سنت های الهی دانست که اگر جامعه ای متوجه این سنت ها شد آنگاه حرکت خویش را به سمت کمال و سعادت دنیوی و اخروی بنا خواهد نهاد و می داند که



:«أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أقدامَكُم» (محمد، ۷) لذا هیچ گاه دچار تردید نشده و در راه حق استقامت می‌نماید و می‌داند که خداوند نصرت خویش را شامل حال آنان خواهد نمود.

نتیجه گیری

۱. مطابق معنای مختار درباره تأویل، به تبیین و تفصیل تأویل آیه «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» پرداخته شد و سه مؤلفه آیه یعنی «حضرت موسی (ع)»، «قوم بنی اسرائیل» و «ایام الله» در آیه استخراج گردید، سپس با انتزاع مفهوم عام و کلی از آیه و القای خصوصیت این سه مؤلفه، عناوین کلی ذیل به دست آمد: «رهبران الهی»، «اقوام و جوامع» و «زمان خاص برای یک قوم». آنگاه این سه مؤلفه در زمان حاضر و با انقلاب اسلامی ایران مطابقت داده شد. که آن سه مؤلفه در انقلاب اسلامی عبارتند از: «امامین انقلاب (امام خمینی و مقام معظم رهبری)»، «جامعه ایران در طول تاریخ انقلاب» و «وقایع مهمی که در طول تاریخ انقلاب اسلامی پیش آمده است».

۲. امامین انقلاب از حوادث و روزهایی خاص در طول جریان انقلاب به عنوان ایام الله یاد نموده اند. این مصادیق در حقیقت تأویل آیه بر مصادیق جدید در طول زمان است که در حقیقت نشان دهنده زنده بودن قرآن در اعصار و امکان است. به عبارت دیگر آنچه از زبان امامین انقلاب صادر شده است همگی بر اساس قاعده جری و تطبیق، به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت و بی شک و تردید در آینده نیز شاهد پیدایش چنین روزهایی نیز خواهیم بود.

۳. چهار ثمره برای بیان و یادآوری ایام الله در دوران انقلاب بیان شده است که عبارتند از: مشاهده و تبلور دست قدرت الهی در همه امور، بازگشت انسان به فطرت الهی خویش، بیداری جوامع و ملل، آگاهی از سنت های الهی در جوامع که ممکن است در هر عصری با تحقق مقدمات، آن سنت الهی جاری خواهد شد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۶). صحیفه نور. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸). أنوارالتنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دارإحیاءالتراث العربی.
۵. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (ج: ۲۴). سوم، تهران: دفتر نشر اسلامی.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). جامعه در قرآن. محقق: مصطفی خلیلی، چاپ پنجم.
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). تفسیر تسنیم. چاپ پنجم، قم: اسرا.
۸. حجازی، فخرالدین، سبحانی، جعفر، رزمجو، حسین. (۱۳۶۴). کاوشی در نهج البلاغه مقالات کنگره سوم. چاپ اول، بی جا.
۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ ش). لغت‌نامه دهخدا. تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۱۱. ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۱). عقاید استدلالی. چاپ چهارم، قم: نصاب.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. چاپ سوم، بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۳. سبحانی، جعفر؛ محمدرضایی، محمد. (۱۳۹۱). اندیشه اسلامی. تهران: معارف.
۱۴. شریعتی تبار، مهدی. (۱۳۹۵). یادآوری ایام‌الله. مشکوه، شماره ۱۳۳.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

دوره سوم

شماره ۵

پاییز و زمستان ۹۹

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان لعلوم القرآن. چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی،
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین. چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). کتاب التفسیر. تهران: چاپخانه علمیه.
۲۱. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح‌الغیب). چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۲۳. قاسمی، جمال‌الدین. (۱۴۱۸). تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر القمی. چاپ سوم، قم: دار الکتب.
۲۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). فطرت. چاپ چهاردهم: انتشارات صدرا.
۲۷. معرفت، محمدهادی. (۱۳۹۲). تاریخ قرآن. چاپ چهاردهم. تهران: سمت.
۲۸. مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر کاشف. قم: بوستان کتاب قم.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۰. مبدی، ابوالفضل رشیدالدین احمد بن ابوسعید. (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار. تحقیق: علی اصغر حکمت، ، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۱. وب سایت: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n23015> ، ۰۹ / ۰۳ / ۱۴۰۰
۳۲. وب سایت: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=44891> ، ۰۵ / ۰۳ / ۱۴۰۰